

توضیح نامه



انتخابات افغانستان : بازی بزرگ
عمومیات

انتخابات برای چه ؟

از نشر مضمون AREU هدف
ذیل به چالش گرفتن پالیسی
سیاست گذاران و طرح این سوال
که آیا برگزاری انتخابات میتواند
در تطبیق مواد موافقت نامه بن
قدم مثبت تلقی گردد یانه میباشد

محتویات

- 1- چالش عمده چیست؟
- 2- آیا تدویر انتخابات یک
ضرورت سیاسی است؟
- 3- آیا انتخابات در شرایط
مناسب برگزار میگردد؟
- 4- آیا تدویر انتخابات امکان
پذیر است؟
- 5- قدم بعدی چیست؟

صرف هفت ماه به برگزاری انتخابات که در معاهده بن روی آن توافق صورت گرفته بود
باقی مانده است. جهت تدارکات برای برگزاری انتخابات، دولت انتقالی و سازمان ملل
متحد جدا مصروف تدوین قوانین انتخابات، تنظیم کمپاین ثبت و راجستر رای دهنده گان و
تدارک و تهیه بودجه 130 میلیون دالری انتخابات از منابع تمویل کننده میباشند.
در حالیکه وقت و انرژی قابل ملاحظه در برنامه ریزی انتخابات بن و تنظیم مسایل
لوژیستیک آن صرف میگردد، قرار توافق نامه ، سوال مطرح میشود که آیا تدویر
انتخابات میتواند در راستای تطبیق اهداف کلی توافق نامه بن مفید باشد زیرا موفقیت قرار
داد بن در تطبیق آن در یک چوکات زمانی معین نبوده بلکه وابسته به این است که تا چه

اندازه اهداف آن چون ختم جنگ تراژیک در افغانستان، آشتی ملی، صلح پایدار، ثبات سیاسی و احترام به حقوق بشر جامعه عمل پوشیده است.

آیا فواید برگزاری انتخابات بیشتر از خطرات آن است؟

علی الرغم اینکه اضرار برگزاری انتخابات قبل از وقت در شرایط بعد از جنگ ممکن بیشتر از فواید آن باشد، چنین بنظر میرسد که اداره آقای کرزی، سازمان ملل متحد و سایر کشور های ذی علاقه چون ایالات متحده مطمئن اند که امکان موفقیت انتخابات سال 2004 از خطرات آن بیشتر خواهد بود.

مهمترین عوامل برگزاری انتخابات مطابق چوکات زمانی توافق نامه بن یا با چند ماه تاخیر عبارت اند از:

- 1- تاخیر در انتخابات به معنی نقض مواد قرار داد بن میباشد و میتواند عامل بی ثباتی در کشور تلقی گردیده، مشروعیت حکومت را تحت سوال قرار داده و باعث بی علاقه گی کشور های کمک دهنده گردد.
- 2- تاخیر در انتخابات مشروعیت و محبوبیت عامه آقای کرزی را قبل از ختم حکومتش در ماه جون سال آینده تحت سوال قرار داده و وی را در ردیف سایر روسای جمهور گذشته که بیشتر از زمان تعیین شده بر اریکه قدرت باقی ماندند قرار خواهد داد.
- 3- برگزاری انتخابات در موعد تعیین شده فرصت تازه را برای پیشبرد اصلاحات سیاسی در اختیار آقای کرزی میگذارد (البته در صورت موفقیت).
- 4- برگزاری انتخابات میتواند در تداوم کمک های کشور های کمک دهنده عامل عمده تلقی گردد.

اگرچه انتخابات میتواند عامل بالقوه برای ایجاد تغییرات مثبت تلقی گردد ولی باید متذکر شد که برگزاری آن در شرایط نامناسب ممکن سبب تحولات نامطلوب در حیات سیاسی کشور گردد. انتخابات قبل از وقت میتواند مهمترین عامل بی ثباتی در کشور باشد تا عامل صلح پایدار.

همچنان ممکن است که تقریباً در یک سوم قلمرو کشور، مخصوصاً در مناطق پشتون نشین جنوب و شرق، امکان ثبت و راجستر رای دهنده گان بنابر عوامل امنیتی محدود و یا تقریباً ناممکن باشد. حتی در صورت دسترسی در این مناطق که طالبان در آن در از نفوذ قابل ملاحظه برخوردارند ممکن است اکثر رای دهنده گان و کاندیدان بنابر فشار و تهدید مخالفین از رای دادن اجتناب نمایند. بلا شک بدون اشتراک و حضور پشتون ها، انتخابات به یک عامل عمده بی ثباتی سیاسی، خشونت و جنگ مبدل شده و میتواند تاثیرات سوء بر حیات سیاسی کشور در سال های آینده داشته باشد.

در عین حال چنانکه قراین نشان میدهد، عدم موجودیت معیارهای موثر جهت خلع سلاح میلشیا و فرماندهان محلی و جنگ سالاران، و از بین بردن کشت و قاچاق مواد مخدر در کشور، صرفا کاندیدان قدرتمند و آنهاییکه اکثریت را از طریق خرید آرا و یا تهدید بدست میآورند برنده واقعی خواهند بود.

البته این تجربه تاسف آوری برای افغانها خواهد بود که اجبارا آرای خویش را به کسانیکه مسوول اکثر بدبختی های آنها در دو دهه اخیر اند بدهند.

ضمنا برگزاری انتخابات "موفقانه" صرفا جهت مشروعیت بخشیدن حکومت کرزی نیز میتواند خطرات عمده را در قبال داشته باشد. آقای کرزی در حالی آماده کمپاین انتخاباتی میشود که نه سازمان سیاسی در عقبش است تا توده ها را به حمایت وی بسیج کند، نه پول باد آورده مواد مخدر که آرا را بخرد، نه نیروی مسلح که آرا را از طریق زور و جبر به خویش اختصاص دهد و نه علاقه به سیاست. صرفا آرای ضعیف و منقسم پشتون ها (کرزی خود پشتون است) و محبوبیت عامه رو بزوال وی ناشی از اداره ضعیف در سال گذشته میتواند علت این تصمیم وی تلقی گردد.

ظاهرا اداره کرزی (همراه با ایالات متحده امریکا) امید وارند با به کمک جدید 1.5 میلیارد دلاری امریکا خواهند توانست تا آرای کافی را بدست آورند. ولی باید خاطر نشان ساخت که سرمایه گذاری رو به افزایش در کشور هنوز هم تحت الشعاع ضروریات و انتظارات مردم قرار گرفته و حتی نتایج " واضح، روشن، و با نتیجه آن" نیز برای انتخاب مجدد اداره کرزی در انتخابات آینده کافی نخواهد بود.

در ضمن امکان واقعی وجود دارد که کاندید سازمان یافته تر، پولدار تر و با برنامه و ایدیالوژی واضح تری قادر به کسب آرای بیشتر و پیروزی به آقای کرزی خواهد بود. هنوز مشخص نیست که تا چه اندازه انتخابات آینده در روند مشروعیت بخشیدن حکومت فعلی افغانستان موثر باشد. اما باید تذکر داد که نارضایتی افغانها از حکومت فعلی بیشتر از نارسائی های حکومت در تامین امنیت، اداره بهتر و تامین احتیاجات ضروری مردم ناشی میگردد تا نحوه برگزاری شتاب زده لویه جرگه اضطراری. توجه به مسایل فوق میتواند در روند مشروعیت بخشیدن حکومت به مراتب موثر باشد تا انتخابات. مخصوصا در حالیکه نگرانی های جدی پیرامون تقلب و تهدید در پروسه انتخابات هنوز موجود میباشد.

ترتیب و پذیرش برنامه جدید جهت پیشبرد اجندای انتخاباتی کار پر خطر میباشد. انتخاب کرزی در لویه جرگه اضطراری نتوانست در تطبیق برنامه اصلاحات و موفقیت چندانی بار آورد و هنوز مشخص نیست پیروزی در انتخابات جدید ریاست جمهوری چه نتایجی را در قبال خواهد داشت. خطر واقعی در اینست که مصارف گزاف منابع انسانی و مالی برای انتخابات ریاست جمهوری به بهای ریفورم و تقویه سیستم حکومت تمام گردد. نهایتا باید گفت که پذیرش فشار ها و برنامه های خارجی جهت تدویر انتخابات در چوکات زمانی تعیین شده میتواند

تأثیرات سوء بر آینده افغانستان داشته باشد. در حال حاضر ایالات متحده یگانه و نیرومندترین (چنانکه انتظار می‌رود مهمترین) تمویل کننده این پروسه (حامی تدویر انتخابات در افغانستان در تابستان و یا پائیز سال آینده می‌باشد. میتوان این علاقه مندی ایالات متحده امریکا را برای انتخابات سال 2004 در افغانستان در راستای ضرورت به دست آوردی برای سیاست "جنگ علیه تروریسم" اداره بوش قبل از انتخابات ریاست جمهوری امریکا که قرار است در نوامبر 2004 دایر گردد تعبیر کرد، مخصوصا در حالیکه ادعای موفقیت در عراق روز تا روز رنگ می‌بازد. بعضی ها ادعا مینمایند که تعیین جدول زمانی مشخص برای انتخابات رول عمده در جلب کمک های ایالات متحده داشته و تاخیر در آن باعث از دست رفتن این فرصت خواهد شد.

تکیه بر پالیسی " دام گسترانیدن" جهت جلب توجه بیشتر کشور های کمک دهنده سیاست کوتاه بینانه بوده و نتایج معکوس را در قبال خواهد داشت. زمانیکه انتخابات به پایان رسید کشور های کمک دهنده به سیاست " گریز از دام" توسل جسته و آنرا منحصیث دلیل مشروع برای قطع علاقه و کمک خویش به افغانستان توجیه خواهند کرد.

آیا انتخاب دیگری وجود دارد؟

اگر سیاست گذاران به این متقاعد گردند که خطرات تدویر انتخابات در شرایط فعلی از فواید آن بیشتر است، پس باید راه دیگری جهت مشروعیت بخشیدن حکومت فعلی الی برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه سراغ کرد. اگر قانون اساسی در لویه جرگه مورد تصویب قرار گیرد میتواند فرصت مناسب را جهت به تعویق انداختن انتخابات به شکل قانونی و مشروع آن فراهم نماید. منحصیث مهمترین قانون نافذ در کشور، قانون اساسی جدید میتواند سایر قوانین و فرامین قبلی را به شمول ماده از توافق نامه بن که در آن از تدویر انتخابات دو سال بعد از لویه جرگه اضطراری سال 2002 تذکر به عمل آمده ملغی قرار دهد.

پیش نویس قانون اساسی واضحا بیان میدارد که رئیس اداره انتقالی میتواند الی انتخاب رئیس جمهور جدید بر قدرت باقی بماند. این پیش نویس همچنان تصریح مینماید که اداره انتقالی میتواند فرامین را الی 6 ماه بعد از تصویب قانون اساسی صادر نماید اما در آن مشخصا از چوکات زمانی برگزاری انتخابات تذکر بعمل نیامده است. البته به تعویق انداختن انتخابات باید با استراتژی توام باشد که همراه با سایر مسایل، مسئله ایجاد شرایط مناسب برای برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه را تامین نماید.

استراتژی جدید باید بر مبنای ادغام استراتژی های نظامی و اعمار مجدد، با توافق کشور های کمک دهنده، سازمان ملل و اصلاح طلبان در داخل دولت جهت طرح استراتژی همه جانبه برای ایجاد سیستم دولتی افغانستان استوار باشد. کنفرانس دوم توکیو در بهار آینده، همچنان امکان تدویر کنفرانس دوم بن فرصت های مناسب را برای دولت، سیاست مداران افغان، سازمان ملل متحد و کشور های کمک دهنده بوجود خواهد آورد تا با تکیه بر حمایت دراز مدت جامعه بین المللی استراتژی چند ساله را بر مبنای سیاست آشتی ملی، تامین ثبات و صلح پایدار و احترام به حقوق بشر طرح و در عمل پیاده نمایند. در شرایط مناسب برگزاری انتخابات مطابق چوکات زمانی تعیین شده توافق نامه بن میتواند بهترین انتخاب تلقی گردد. در حال حاضر وضعیت افغانستان بحرانی بوده و امید کمی میرود که الی تابستان یا پائیز سال آینده بهبود قابل ملاحظه در آن رونما گردد. در صورت عدم برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه، به تعویق انداختن آن میتواند انتخاب بهتر در مقایسه با انتخابات غیر آزاد و غیر عادلانه تلقی گردد. انتخابات غیر عادلانه و نامنصفانه مشروعیت آنرا نزد افغان ها و جامعه بین المللی زیر سوال برده و مطمئنا تاثیرات نا مطلوب بر پروسه انتخابات در سال های آینده نیز خواهد داشت. سیاست گزاران باید فواید و اضرار تدویر انتخابات در تابستان و خزان سال آینده را بار دیگر مورد غور و بررسی قرار دهند زیرا آینده افغانستان وابسته به این انتخابات بوده و کشور قادر به تحمل باخت در این قمار نیست.

چالش عمده چیست؟

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در افغانستان در جون سال 2004 آخرین قدم در تطبیق مواد توافق نامه بن میباشد که در دسامبر 2001 به امضا رسید. در این معاهده موارد ذیل تذکر یافته است: " حق مردم افغانستان در انتخاب زعامت سیاسی آنها در آینده مطابق با اساسات اسلام، دموکراسی، پلورالیزم و عدالت اجتماعی " و در جای دیگر " اداره انتقالی رهبری کشور را الی انتخاب دولت با پایه وسیع از طریق انتخابات آزاد و عادلانه که دو سال بعد از لویه جرگه اضطراری تدویر میابد عهده دار خواهد بود ".

لست توافقات بن:

- 1- ایجاد دولت موقت در افغانستان
- 2- ایجاد کمیسیون مستقل برای تدویر لویه جرگه اضطراری، اصلاحات در سیستم ملکی، اصلاحات قضائی و حقوق بشر
- 3- تدویر لویه جرگه اضطراری جهت انتخاب اعضای کلیدی دولت در اداره انتقالی
- 4- استقرار نیروی چند ملیتی حافظ صلح در کابل و نواحی اطراف آن
- 5- ایجاد بانک مرکزی افغانستان
- 6- خروج قطعات نظامی از کابل و سایر مناطق

7- تسوید قانون اساسی جدید، تدویر لویه جرگه و تصویب آن در طی دو سال
 8- برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه طی دو سال و شش ماه
 اگر به لست توافقات اکتفا نمائیم، تقریباً همه مواد آن عملی گردیده است.
 در جون 2002 لویه جرگه اضطراری تدویر و اداره انتقالی را انتخاب نمود، قرار است
 لویه جرگه قانون اساسی در اواسط دسامبر تدویر و بالای قانون اساسی بحث نماید،
 کمیسیون های مستقل اصلاحات قضائی و ملکی ظاهراً با همه فراز و نشیب آن فعال اند،
 برای برگزاری انتخابات در ماه جون، اداره کرزی کمیته انتخاباتی موقت را موظف نمود
 و ضمناً قانون احزاب سیاسی ترتیب و توشیح گردید. در عین حال قرار است مسوولین
 سازمان ملل متحد پروسه ثبت و راجستر رای دهنده گان را در هشت مرکز بزرگ شهری
 الی اول دسامبر آغاز نماید.

اما اگر توافقات بن را از بعد دیگری بررسی نمائیم، نمیتوان ادعا کرد که موفقیت عمده در
 حصول اهداف آن بدست آمده است. نا امنی در سرتاسر کشور بیداد میکند، خلع سلاح
 ملیشیا و جنگ سالاران چه در کابل و چه در سایر نقاط کشور با موانع جدی داخلی و
 خارجی مواجه است. اصلاحات در ارگان های حقوقی به کندی به پیش میرود، حکومت
 مرکزی از قدرت و اتوریتیه کمی برخوردار بوده و کشور عملاً میان فرماندهان محلی
 تقسیم شده است. کار پروژه های عمده عمرانی مخصوصاً در مناطق پشتون نشین جنوب و
 جنوب شرق بنابر مشکلات امنیتی و کمبود بودجه عملاً متوقف شده است. باید اذعان
 داشت که وجود این همه نارسائی ها اعتبار دولت و جامعه بین المللی را در نزد افغان ها
 تحت سوال برده است. قرار معاهده بن برگزاری انتخابات آخرین گام در راستای تشکیل
 دولت قانونی و مشروع در کشور تلقی گردیده است. قرار این معاهده برگزاری انتخابات
 آزاد از یکسو باعث جلب همکاری بیشتر جامعه بین المللی در تشکیل دولت میگردد و از
 جانب دیگر این امکان را به مردم افغانستان و سیاست گزاران این کشور مساعد میسازد تا
 ذریعه انتخاب آزادانه نماینده گان خویش حکومت مشروع و قانونی را پایه گذاری و
 انتخاب نمایند.

تدویر انتخابات قبل از حل مشکلات اساسی نه تنها دست آورد های دو سال گذشته را بیاد
 داده بلکه کشور را دوباره به عقب و ممکن به طرف جنگ و خشونت بیشتر سوق دهد.
 قبل از اینکه دولت و جامعه بین المللی سرنوشت افغانستان را در قمار انتخابات به گرو
 بگذارند باید از خویش بپرسند که آیا با این عمل فرصت مناسب را برای ایجاد دولت پایدار
 و صلح آمیز از دست نمیدهند؟ و یا اینکه این عمل تخطی از روحیه واقعی توافق نامه بن
 نیست؟

جدول زمانی انکشافات پروسه انتخاباتی 2003/2002

- اکتبر/ نوامبر 2002 - بخش همکاری انتخاباتی سازمان ملل متحد برنامه بررسی و ارزیابی جزئیات و ضروریات انتخابات را رویدست گرفت.
- فبروری 2003 - سازمان ملل متحد مسوول عمومی انتخابات را برای نظارت بر این برنامه اعزام نمود.
- پریزدنت کرزی رسماً از UNAMA خواست تا در عرصه هماهنگی کمک های جامعه بین المللی برای انتخابات همکاری نماید.
- مارچ 2003 - مسوول عمومی انتخابات با سه تن دیگر از کارمندان واحد انتخاباتی UNAMA جهت تدوین قانون ثبت و راجستر رای دهنده گان و تنظیم بودجه انتخابات وارد افغانستان شدند.
- می 2003 - تصویب بودجه 12 میلیون دلاری سال 2003 جهت ایجاد واحد انتخاباتی UNAMA. البته این بودجه در ماه جون در اختیار مسوولین UNAMA گذاشته شد.
- جون 2003 - تهیه پیش نویس برنامه کاری انتخابات توسط کمیسیون انتخاباتی ملل متحد، البته این پیش نویس بعد از تشکیل کمیسیون موقت برگزاری انتخابات افغانستان مورد تجدید نظر قرار گرفت.
- جولای 2003 - استخدام اعضای جدید کمیسیون انتخاباتی ملل متحد، کمیسیون موقت برگزاری انتخابات بفرمان کرزی رسماً تاسیس شد.
- اگست 2003 - تصویب فرمان تشکیل هیئات مشترک تنظیم انتخابات، استخدام پرسونل در بخش تعلیمات ملکی، ثبت و کمک های تخنیکی توسط UNAMA.
- پیشنهاد بودجه هفتاد و هشت میلیون دلاری پروسه ثبت و راجستر رای دهنده گان به مراجع تمویل کننده، تاریخ آغاز پروژه که در ماه اکتبر تعیین شده بود، بنابر عدم موجودیت بودجه کافی الی اول دسامبر به تعویق افتاد.
- اکتبر 2003 - توشیح فرمان قانون احزاب
- آغاز مرحله ابتدائی پروژه خلع سلاح یا DDR در کندوز.
- نوامبر 2003 - آغاز کار کمپاین تبلیغاتی و تعلیمات مدنی، نشر مسوده قانون اساسی.
- دسامبر 2003 - آغاز پروژه ثبت و راجستر در هشت شهر بزرگ، آغاز کار لویه جرگه قانون اساسی.

مسائل بعدی:

- افتتاح کار هیئات مشترک تنظیم انتخابات
- قانون ثبت و راجستر
- قانون مطبوعات
- قانون انتخابات
- تصویب احکام و تنظیم مسوولیت ها، برنامه ریزی، تنظیم بودجه و تطبیق برنامه انتخابات.

آیا تدویر انتخابات در شرایط حاضر یک ضرورت سیاسی است؟

برگزاری انتخابات دموکراتیک همیشه جزو معاهدات صلح و تجارتی در سطح بین المللی بشمار رفته و اساس تشکیل دول دموکراتیک تلقی میشود. اما حتی انتخابات کاملا آزاد و عادلانه هنگامیکه توام با استقرار حکومت قانون، سیستم سالم حقوقی و اصلاحات سیاسی نباشد سرانجام کاملا غیر دموکراتیک خواهد یافت.

در شرایط فعلی امکانات زیادی متصور است که بنابر وضعیت بحرانی موجود، برگزاری انتخابات منتج به افزایش خشونت گردد که این طبعاً مشروعیت آنرا نزد مردم افغانستان زیر سوال قرار خواهد داد.

تصور میشود که با تدویر انتخابات شرایط کشور از حالت بحرانی بعد از جنگ به طرف بهبود سیر نموده و در نهایت منجر به تشکیل دولت دموکراتیک در کشور گردد. اما باید گفت که هم در کنفرانس بن و هم در لویه جرگه در مورد مسئله ایجاد سیستم مبتنی بر قانون و حکومت قانون غفلت صورت گرفت که میتوان علت ضعف دولت مرکزی، عدم ثبات سیاسی موجود، عدم توازن سیاسی، روند کند خلع سلاح و ناکامی اصلاحات را در این غفلت جستجو کرد.

برگزاری انتخابات زودرس و قبل از وقت در حقیقت تکرار اشتباهات دوسال گذشته بوده و مطمئناً اثرات ناگوار بر پروسه آشتی ملی و صلح پایدار خواهد داشت.

سازمان های ضعیف سیاسی:

انتخابات طبیعتاً میتواند نتایج متعدد داشته باشد چنانکه در جوامع با دول و سازمان های ضعیف سیاسی، انتخابات ممکن سبب ایجاد بحرانات غیر قابل کنترل گردد. در حال حاضر کشور فاقد سازمان نیرومند و منسجم سیاسی بوده و از جانب دیگر کمیسیون

جدیدالتاسیس انتخاباتی فاقد تجربه و ظرفیت لازم برای اجرای این امر خطیر میباشد که این خود میتواند عامل بحران زای در عرصه سیاسی کشور تلقی گردد. در عدم موجودیت ارگان های قانون گذاری و قضائی نیرومند، به مشکل میتوان باور داشت که تصامیم انتخابات جامه عمل بپوشد. این در حالیست که قانون احزاب سیاسی جدیداً نافذ گردیده و مطابق آن تمام احزاب با نیرو های مسلح حق اشتراک در پروسه انتخابات را ندارند در حالیکه هنوز کشور فاقد میکانیزم سیاسی است که بتواند جایگزین این احزاب و گروه های مسلح گردد.

از جانب دیگر اداره انتقالی به آن سطح نیرومند نیست که بتواند در برابر دسته بندی ها و ائتلاف های جدید با یستاد، این آسیب پذیری اداره انتقالی در اکتبر 2003 به تعقیب ملاقات اعضای عالیرتبه کابینه با نماینده گان احزاب بنیاد گرا و شایعات مبنی بر کودتا که منجر به مداخله نیرو های بین المللی و استقرار تانکهای آنها در جوار کاخ ریاست جمهوری شد بیشتر واضح گردید.

آزاد و عادلانه؟

بنظر افغان ها انتخابات قبل از وقت نه عادلانه بوده و نه مشروعیت دارد. محدودیت های امنیتی مانع عمده در راستای پروسه رای دهی عمومی و آزاد در سرتاسر کشور بوده و این حالت مخصوصاً در مناطق جنوب و جنوب شرقی که پروسه ثبت در آن جا بنابر مشکلات امنیتی نتوانست به شکل درست تطبیق گردد، بیشتر محسوس میباشد. با در نظر داشت محدودیت های اجتماعی- فرهنگی پیرامون رای دهی زنان، چوکات زمانی فعلی وقت کمی را برای طرح استراتژی جدیدی جهت اشتراک وسیعتر زنان در انتخابات باقی میگذارد. به گزارش سازمان های مدنی که با کمیسیون برگزارای انتخابات لویه جرگه همکاری دارند، مشکلات زیاده در عرصه تشویق زنان پشتون برای شرکت در انتخابات وجود دارد. بطور مثال پروسه خاص اشتراک زنان برای انتخابات لویه جرگه قانون اساسی در ولایت پکتیکا بنابر مخالفت مردان محلی با اشتراک زنان در انتخابات لغو گردید.

آزادی بیان هنوز در کشور تامین نگردیده و قانونی برای حفظ حقوق خبرنگاران وجود ندارد. نهایتاً، انتخابات ممکن موقوف عده محدودی را مشروعیت بخشد. اما کسب مشروعیت عامه افغانها در صورتیکه برنامه خلع سلاح عمومی هنوز در مرحله ابتدائی اش قرار دارد و تا زمانیکه رهبران گروه های مختلف عملاً در قدرت اند دشوار بنظر میرسد. عقیده عمومی بر این است که برنده اصلی انتخابات آنانی خواهند بود که یا بیشترین قدرت را جهت تهدید رای دهنده گان در اختیار دارند و یا پول هنگفت را جهت خریداری آرا.

تجربه نشان میدهد که حتی در دمکراسی های پیشرفته جهان، برگزاری انتخابات، قبل از تطبیق اصلاحات سیاسی نتایج کاملاً غیر دمکراتیک در قبال داشته است (جدول 3). در ده سال گذشته در کشور های چون افریقای جنوبی، السلوادور و موزمبیق نتایج قناعت بخش

از انتخابات که بعد از معاهدات صلح، خلع سلاح و ترتیب قانون اساسی جامع برگزار گردیده بود بدست آمد. و برعکس در تعداد دیگر از کشور ها چون لیبیا، آنگولا و بوسنیا هرزگوینا انتخابات قبل از وقت منجر به تشدید جنگ و منازعات بیشتر گردید. انتخابات میتواند از لحاظ تخنیکی کاملاً موفقیت آمیز باشد، اما طوریکه از تجربیات بین المللی بر میآید، انتخابات که بدون در نظر داشت شرایط جامعه و قبل از وقت برگزار شده باشد قادر به حل مشکلات جامعه نخواهد بود. بنابراین انتخابات باید در زمانی برگزار گردد که بتواند در ادامه پروسه صلح مثمر واقع گردد نه اینکه به جنگ و خشونت بیشتر دامن زند.

در حالیکه انتخابات آزاد و عادلانه حتی در کشور های "پیشرفته جهان" نیز کار مشکلی نداشته میشود، بهتر است انتخابات در افغانستان زمانی برگزار گردد که قبلاً گام های جدی و عملی در راستای تامین برگزاری آزاد و عادلانه آن برداشته شده باشد. اقدامات که میتواند در تامین این شرایط کمک نماید شامل:

- تدویر لویه جرگه قانون اساسی به شکل مشروع و با اشتراک حد اکثر نماینده گان مردم در آن
 - تصویب قانون اساسی که در آن ساختار سیاسی کشور و احصا توضیح شده باشد.
 - بهبود شرایط امنیتی مخصوصاً در بخش های سیاسی، بلند بردن توانائی و ظرفیت پلیس و اردوی افغانستان.
 - طرح استراتژی واحد برای ادغام بخش های سیاسی، نظامی و اعمار مجدد در مطابقت با مواد معاهده بن مخصوصاً ماده پنجم آن پیرامون خلع سلاح. تهیه شواهد کافی پیرامون دسترسی تمام مردان و زنان در مناطق شهری و روستائی کشور به معلومات و آگاهی در مورد پروسه ثبت و راجستر انتخابات.
 - تهیه شواهد کافی در مورد تطبیق قانون احزاب سیاسی توسط وزارت عدلیه به شمول مباحثات سیاسی پیرامون موضوع.
- ظرفیت و قابلیت اداری ملی میتواند از طریق انفاذ قوانین انتخاباتی و ایجاد کمیسیون انتخاباتی مستقل و با صلاحیت انتخاباتی ارتقا یابد

جدول(3): راهی به طرف صلح؟ انتخابات در جوامع بعد از جنگ

کشور	انتخابات	نتیجه	شروط لازم الاجرای قبلی
کوسوو	2000	اداره موثر کوسوو توسط اداره	حضور موثر سازمان ملل و نیروی حافظ الصلح چند ملیتی
	2001	تحت الحمایه سازمان ملل متحد با حمایت روز افزون	

	مردم برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه	2002	
تهدید خارجی (ملیشیا مستقر در اندونیزیا) طی مداخله نیروی حافظ الصلح سازمان ملل رفع گردید نیروی حافظ الصلح تا هنوز در کشور مستقر است	حزب فریتلین در انتخابات صلح آمیز برنده شد که منجر به مبارزه استقلال خواهی گردید	2001 2002	تیمور شرقی
ادامه خشونت و جنگ	- چارلز تیلور رهبر نیرومند یکی از احزاب در انتخابات پیروز گردید، زیرا گمان میرفت که شکست وی منجر به ادامه درگیری های خواهد شد - انتخابات ساختار های قدرت در کشور را بعد از هفت سال تنظیم و تصویب کرد. - ادامه خشونت و درگیری که منجر به مداخله بین المللی در 2003 در این کشور شد	1997	لیبریا
- تصمیم برای برگزاری انتخابات بعد از معاهده دایتون 1995 مخالفت های زیادی را برانگیخت - معاهده صلح به طرفین متخاصم اجازه داد تا نیرو های نظامی خویش را حفظ کنند.	- تهدید عمومی رای دهنده گان تغییر بافت های قومی بنابر ارتشا و فساد - عدم تغییر ساختار های موجود قدرت - رهبران مخالف دولت موقعیت خویش را با تهیه برنامه جدید انتخاباتی تقویه و مشروعیت بخشیدند.	1996	بوسنیا هرزگوینا

السلوادور	1994	انتقال قدرت طی رژیم نیرومند موقت	- خلع سلاح موفقانه تحت نظر و حمایت سازمان ملل متحد. - غیر نظامی شدن سیاست - ایجاد سازمان های محلی - جامعه مدنی و حقوق بشر - عقد معاهده صلح
موزمبیق	1994	- توازن انتخاباتی میان دو حزب نیرومند که در آن فریلیمو به حیث کاندید ریاست جمهوری و رینامو به حیث رئیس پارلمان معرفی شدند.	- تشکیل دولت نیرومند موقت که با صلح و امنیت را تامین کرد - خلع سلاح رینامو و تبدیل شدن آن به حزب سیاسی - انعقاد معاهده صلح
افریقای جنوبی	1994	برگزاری انتخابات مشروع، صلح آمیز، آزاد و عادلانه با اشتراک تمام اقشار جامعه	- تدوین قانون اساسی بعد از مباحثات، نظر خواهی عمومی - ظهور احزاب نیرومند سیاسی
کمبودیا	1993	انتخابات موفقیت آمیز " تکنیکی" که بلاخره منتج به تشدید خشونت و لغو تمام دست آورد و نتایج انتخابات و خروج سازمان ملل و قوای امنیتی بین المللی گردید. - کودتا علیه سلطه حزب سلطنت طلب فونسی پیک که منجر به ایجاد اختناق سیاسی و رویکار آمدن رژیم توتالیتر گردید.	- اداره نسبتا نیرومند موقت که در کاهش سطح خشونت و بی ثباتی نقش عمده داشت - تشکیل سازمان های محلی - دفاع از حقوق بشر
آنگولا	1992	ناکامی در ختم جنگ داخلی به تعقیب نفی نتایج انتخابات توسط خوناس ساوویس رهبر سازمان یونیتا	- ناکامی در خلع سلاح گروه های مسلح قبل از آغاز انتخابات - حضور ناکافی جامعه بین المللی

برنده کی خواهد بود؟

علی الرغم اینکه افغانها مکرراً تمایل خویش را به صلح، ضرورت به خلع سلاح و تشکیل دولت منتخب اظهار نموده اند، از شکل و زمان برگزاری انتخابات چنین برمیآید که بیشتر ممثل تطبیق اهداف سیاسی قدرت های خارجی بوده تا خواست و تمایل افغانها. با در نظر داشت تمام این مسائل میتوان گفت که یگانه برنده گان انتخابات صرفاً گروه خاص از سیاسیون خواهند بود تا کافه ملت افغانستان.

ایالات متحده امریکا: دولت ایالات متحده امریکا عمیقاً بر موضوع برگزاری در تابستان آینده پافشاری دارد. زیرا چنین تصور میشود که پیروزی کرزی از یکسو برای آینده افغانستان خوب بوده و از جانب دیگر منافع ایالات متحده را در منطقه تامین مینماید. همچنان پیروزی انتخابات در افغانستان در حقیقت دست آورد برای سیاست خارجی اداره بوش قلمداد شده و میتواند طی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در نوامبر 2004 برای تقویه موقف آقای بوش مفید باشد. بنا انتظار میرود که ایالات متحده بزودی یک قسمت از کمک 1.6 میلیارد دلاری خویش را برای تامین بودجه انتخابات در اختیار افغانستان بگذارد.

سازمان ملل متحد: سوال اینکه آیا باید انتخابات دایر گردد یا نه، سازمان ملل متحد را در موقف دشوار قرار داده است. از یکسو سازمان ملل قرار فیصله های شورای امنیت موظف به تطبیق فیصله های توافق نامه بن چون تدویر انتخابات در موعد تعیین شده میباشد و از جانب دیگر در صورت بروز بحران و ناکامی انتخابات، سازمان ملل مسوول شناخته خواهد شد.

با در نظر داشت شرایط فعلی، سازمان ملل در حال حاضر از تدویر انتخابات مطابق چوکات زمانی توافق نامه بن حمایت مینماید. مقامات سازمان ملل چنین استدلال میکنند که برگزاری انتخابات ولو به شکل "نا مکمل یا ناقص" به مراتب از به تعویق افگندن آن بهتر است. ولی در عین حال شک و تردید جدی خویش را پیرامون برگزاری صلح آمیز آن پنهان نمی نمایند.

رئیس جمهور افغانستان حامد کرزی: در حال حاضر حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان یگانه شخص در دولت فعلی با برنامه برای آینده میباشد. موصوف با اکثریت آرای نماینده گان لویه جرگه اضطراری به پست ریاست جمهوری انتخاب گردید. چون قرار مسوده قانون اساسی آقای کرزی میتواند الی برگزاری انتخابات بر قدرت باقی بماند، تصور عمومی بر اینست که وی در صدد تهیه برنامه برای آینده جهت انتخاب مجدد

خویش مییاشد. از جانب دیگر وی نمیخواهد که با پیروی از شیوه اسلافش یعنی توسل به طرق غیر قانونی جهت تمدید دوره حکومتش توسل جوید. پس یگانه طریق بقای وی در قدرت همانا تدویر انتخابات در زمان معینش مییاشد.

مخالفین سیاسی: اگر به تاریخ بنگریم بقای احزاب سیاسی افغانستان بیشتر مدیون جلب کمک های مالی، اسلحه هر چه بیشتر و مقاومت مسلحانه بوده تا آرای مردم یا ایدیالوژی های مشخص. گرچه قانون احزاب سیاسی جدید میکوشد تا ارگان های مشروع سیاسی را جایگزین گروه های نظامی موجود نماید ولی تا هنوز هیچگونه استراتژی مشخص برای تفسیر و تطبیق آن وجود ندارد. در صورت عدم تطبیق اصلاحات در احزاب سیاسی، مخالفین خواهند کوشید تا با استفاده از هر نوع خلا امنیتی پروسه انتخابات را اخلاص و دولت مرکزی را هر چه بیشتر تضعیف نمایند. نشانه های اشکاری از این گونه اخلاص گری ها و تهدید ها نماینده گان لویه جرگه قانون اساسی حد اقل در هفت ولایت مشاهده شده است. از جمله این وقایع میتوان از حادثه بدخشان نامبرد که طی آن یکتن از کاندیدان لویه جرگه قانون اساسی بنابر تهدید های جانی مجبور به صرف نظر نمودن از کاندیداتوری خویش گردید. باید گفت که تمام این وقایع بدون شک در روند برگزاری انتخابات لویه جرگه تاثیرات سوء خواهد داشت.

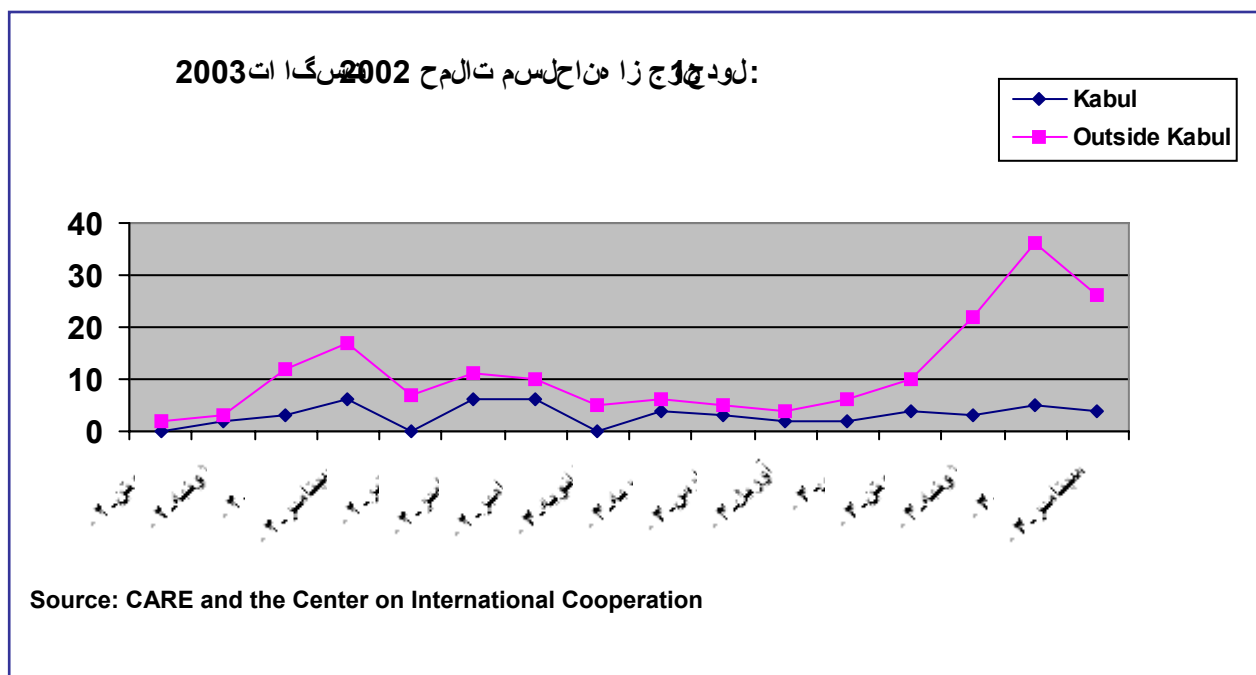
سایر افغان ها: چنین پنداشته میشود که برگزاری انتخابات در افغانستان بیشتر در راستای انتظارات بین المللی صورت میپذیرد تا خواست و اراده مردم افغانستان. اما باید در نظر داشت که این افغانها اند که برای اشتراک در پروژه های تعلیمات مدنی، ثبت و راجستر جهت رای دهی و درک حقوق سیاسی شان در انتخابات دعوت میشوند و بلاخره این افغان ها اند که نتایج و پیامد های آنرا متحمل خواهند شد.

در حالیکه مردم افغانستان همیشه خواهان تامین صلح و امنیت، خلع سلاح جنگ سالاران و برپائی حکومت قانونی و مسؤل اند معلوم نیست که برگزاری انتخابات تا چه حد میتواند آرزوهای آنها را برآورده سازد. اما چیزی که کاملاً هویدا است اینست که برگزاری انتخابات در بین برهه زمانی پاسخگوی نیاز های مردم نبوده و بهتر آن خواهد بود که الی ایجاد تحولات مثبت معطل قرار گیرد.

آیا برگزاری انتخابات در شرایط فعلی امکان پذیر است؟

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در شرایطی که ضعف حکومت قانون و حاکمیت دولتی کاملاً عیان مییاشد دشوار بنظر میرسد. در صورت عدم تامین امنیت پروسه جمع آوری آرا با موانع جدی مواجه شده و مسؤلین امر نمیتوانند وظایف خویش چون ثبت و راجستر و جمع آوری آرای مردم را به درستی انجام دهند. مخالفین سیاسی داخلی به هیچ صورت

حاضر به از دست دادن قدرت خویش نبوده، از اینرو میخواهند با بکار برده شیوه های مختلف زمینه تهدید و تعجیز مردم را فراهم ساخته، پروسه انتخابات را مختل کرده و از عملی شدن اصلاحات سیاسی جلوگیری نمایند. قرار اظهارات تعداد از نماینده گان لویه جرگه اضطراری، آنها در چندین بار مورد تهدید قرار گرفتند تا از آرای خویش را به جبرا به دیگران بدهند. با در نظر داشت شواهد فوق، بعید به نظر نمیرسد که نماینده گان انتخابات سال 2004 نیز با چنین شرایط مواجه گردند.



امروز بی امنیتی در بخش اعظم کشور سایه انداخته و اوضاع سیاسی رو به وخامت میرود.

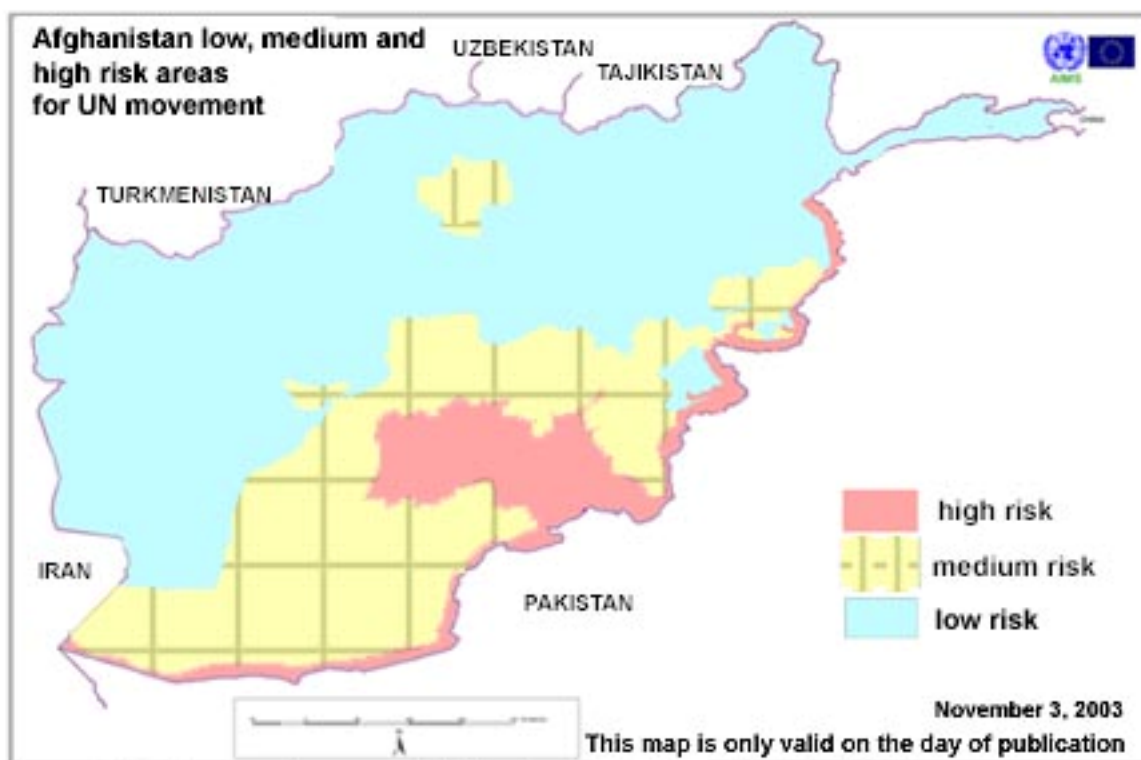
صرفا در ماه اگست که میتوان آنرا ماه خونین نام نهاد، در 36 حمله مسلحانه جداگانه به تعداد 220 نفر اعم از کارمندان دولتی، اهالی ملکی و کارمندان موسسات خیریه جان خویش را از دست دادند. در نصف مجموع ولایات افغانستان (32 ولایت) ساحات موجود است که در آن خطرات نسبی و بعضا مطلق امنیتی محسوس میباشد. قرار آمار ارائه شده توسط موسسات خیریه غیر دولتی و سازمان ملل، سازمان های متذکره در سی فیصد قلمرو کشور بنابر دلایل امنیتی فعالیت ندارند. در صورت برگزار شدن انتخابات در شرایط فعلی 36% قلمرو کشور تحت پوشش قرار نگرفته و ایجاب مینماید تا مسوولین جمع آوری آرا با حمایت نیرو های مسلح فعالیت خویش را در مناطق متذکره به تدریج عملی نمایند. باید یاد آور شد که اکثریت مناطق متذکره ساحات پشتون نشین بوده یعنی متعلق به بزرگترین گروه قومی کشور میباشد. البته این واضح است که در حاشیه قرار گرفتن بزرگترین گروه قومی افغانستان در انتخابات، مشروعیت آنرا تحت سوال قرار داده و ضمنا پروسه تطبیق اصلاحات سیاسی را نیز به بن بست مواجه میسازد. هنوز مدت

اندکی از اجرات مقدماتی انتخابات نماینده گان لویه جرگه قانون اساسی نمیگذرد که مخالفین دست به اقدامات تخریبی زده و از طریق پخش شبنامه ها تهدید آمیز، لت و کوب و به آتش کشیدن مکاتب میخوانند پروسه اصلاحات سیاسی را به بن بست مواجه سازند. چنانکه چندی قبل مخالفین دو خمپاره را به جانب حوزه انتخاباتی در غزنی شلیک نمودند که منجر به اختلال پروسه انتخاباتی گردید.

در نتیجه چنین تهدیدات در بعضی از ولایات جنوبی کشور در تناسب با مقیاس عمومی 60% صرفاً 40% اهالی توانسته اند که در لویه جرگه قانون اساسی سهم بگیرند.

تدابیر اتخاذ شده در راستای بهبود وضعیت امنیتی به مقایسه تهدیدات موجود خیلی ها ناقص است. شمار نیرو های بین المللی که در روند انکشاف وضعیت امنیتی افغانستان خیلی ها ناچیز بوده و قرار شرح زیرین خلاصه میشود:

- 1- 4600 نفر نیروی ISAF که عمدتاً در کابل متمرکز اند
- 2- 11000 نفر نیرو های ائتلاف بین المللی که در یک نبرد فرسایشی با طالبان و طرفداران سازمان القاعده درگیر اند.
- 3- نیرو های ملکی نظامی بازسازی ولایتی که بنابر عدم امکانات و صلاحیت قادر به انکشاف و بهبود اوضاع امنیتی نیستند. و بر خلاف روند نورمال وظایف شان در سایر نقاط جهان در راستای نظارت بر پروسه انتخابات هیچگونه برنامه را روی دست ندارند.



Source: Based on security map provided by the UN Field Security Office, Kabul

لهذا این مسئولیت حکومت افغانستان است تا شرایط امنیتی را جهت برگزاری انتخابات مساعد سازد. اما باید مد نظر داشت که در این راستا یک سلسله مشکلات برای دولت افغانستان موجود است.

موسسات امنیتی ملی اکثراً نو تاسیس بوده و آنقدر مصروف تضاد های گروهی اند که قابلیت اجرای چنین امر خطیر را به تنهایی ندارند. تعداد منصوبین اردوی ملی ناچیز بوده و به شش هزار نفر بالغ میگردد. قسمت اعظم نیرو های پلیس مرکب از ملیشیا های محلی میباشد. پروسه خلع سلاح که به منظور مهار کردن قدرت جنگ سالاران رویدست گرفته شده است و قرار است طی آن در حدود صد هزار فرد مسلح خلع سلاح گردند تازه آغاز گردیده است. یک سوم حصه کمک 1.6 میلیارد دالری که جهت بهبود وضعیت امنیتی از جانب ایالات متحده امریکا برای افغانستان تخصیص داده شده ناکافی بوده و موسسات ملی نباید توقع داشته باشند که با هزینه فوق میتوانند تمام خلا های امنیتی را پر نمایند. با در نظر داشت تمام این مشکلات بعید به نظر میرسد که بتوان به این زودی انتخابات عادلانه و آزاد را راه اندازی نمود.

فیصله شورای امنیت ملل متحد در رابطه به توسعه نیرو های ISAF تحت فرماندهی ناتو میتواند به عنوان یک گام مثبت تعبیر گردد ولی نقطه قابل ذکر اینست که شمار نیرو های جدید خیلی ها محدود بوده و با تاخیر زمانی زیاد در عمل پیاده شده است. لذا باید معتقد شد که دیگر زمان کافی برای بحث پیرامون احضار نیرو های بین المللی جهت کمک به تدویر انتخابات به مقیاس تجربه شده در سایر نقاط جهان باقی نمانده است. مسوولین امنیتی معتقد اند در صورت عدم موجودیت اردوی ملی نیرومند و یا نیرو های کمکی بین المللی بیشتر، هیچگونه تضمین را در رابطه به دورنمای انتخابات که قرار است در ماه جون راه اندازی شود وجود ندارد. در شرایط حاضر نظر به اینکه مقتضیات و امکانات در تعادل قرار ندارند، لهذا فراهم آوری نیروی امنیتی باید از تشریک مساعی نیرو های بین المللی و ملی صورت پذیرد. در صورتیکه روند انتخابات ذریعه حملات مخالفین و یا اغتشاشات مردم دچار اخلاص گردد، امکانات و تجهیزات و قوای کافی جهت دفع چنین تهدید مهم وجود ندارد.

تامین امنیت ملی در پیشبرد پروسه انتخابات خیلی ها ضروری بنظر رسیده و مسوولین امنیتی باید زمینه را مساعد سازند تا پروسه راجستر تکمیل گردیده و از اعمال هر گونه تهدید بالای رای دهنده گان جلوگیری شده و از صندوق های رای حفاظت به عمل آید.

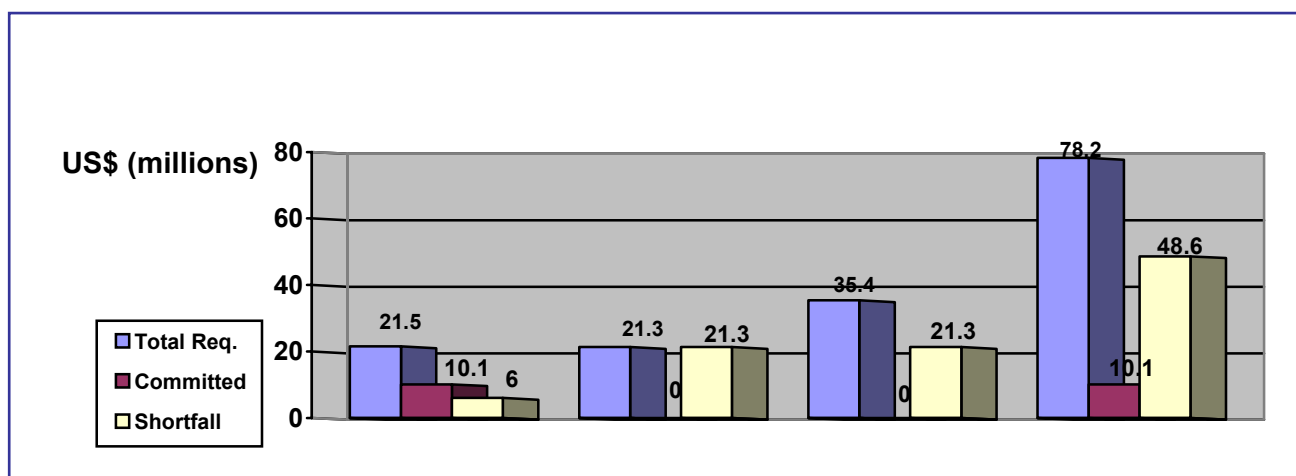
آیا تدویر انتخابات از لحاظ لوژیستیکی امکان پذیر است؟

برنامه کاری ثبت و راجستر قرار است به کمک سازمان ملل توسط هفتاد تیم راجستر کننده ذریعه ثبت کارت های هویت رای دهنده گان در شهر های مختلف افغانستان عملی گردد. طبق برنامه قرار است به تاریخ اول دسامبر سازمان ملل هفتاد تیم راجستر کننده را به شهر

مختلف کشور بفرستد. مگر با دست داشتن یک چهارم حصه بودجه لازم و عدم موجودیت برنامه مشخص کاری در حالیکه صرف هفت ماه به میعاد برگزاری انتخابات باقی مانده است، دشوار به نظر میرسد که حتی زمینه های لوژیستیکی آن به شکل درست آن فراهم شده بتواند.

در رابطه به دورنمای انتخابات نظریات مختلف وجود دارد. تعدادی دورنمای انتخابات قبل از وقت را وخیم میپندارند. عده دیگری اظهار میدادند قسمیکه در تدویر لویه جرگه اضطراری موفق بودیم از عهده پیشبرد انتخابات قانون اساسی نیز بر خواهیم آمد. در حالیکه مشکل عمده در لویه جرگه اضطراری همانا تمرکز بیشتر بر پروسه آن بود تا نتایج آن.

وضعیت مالی قبت و راجستر



تمویل پروسه ثبت و راجستر:

طوریکه هویداست پیشبرد پروسه انتخابات ضرورت به مقدار هنگفت منابع مالی دارد. سازمان ملل متحد در ماه جون سال جاری اشکارا اعلام داشت که صرف پروسه ثبت انتخابات به 78.2 میلیون دالر ضرورت داشته از اینرواز تمویل کننده گان درخواست کرد که پول لازمه را برای پروسه راجستر انتخابات که قرار است در تاریخ اول سپتامبر آغاز گردد فراهم سازند. سازمان ملل بعدا در ماه اکتبر سال جاری اعلام داشت که هزینه در نظر گرفته شده برای پروسه ثبت رای دهنده گان کافی نبوده و از 49 میلیون دالر دیگر سخن گفت. و ضمنا اظهار داشت که 10 میلیون دالر که تا فعلا تادیه شده حتی برای دور اول پروسه ثبت رای دهنده گان کافی نیست. این در حالیست که از ضرورت های دیگر از

قبیل خریداری وسایل مورد ضرورت، استخدام کارکنان جدید و فراهم آوری امکانات لوژیستیکی و تعلیمی اصولاً ذکر شده است.

دلیل اینکه تاکنون در جهت پرداخت مقادیر بیشتر پول از جانب تمویل کننده گان اقدامی نشده است، موضوع بی میلی و بی علاقه‌گی آنها نیست. بلکه تعداد از تمویل کننده گان در اینکه تدویر انتخابات منجر به تطبیق اصلاحات و تامین صلح پایدار میگردد شک داشته و حتی تدویر آنها وخیم میپندارند. یکتعداد دیگر منتظر اند تا وعده های داده شده ذریعه سایر تمویل کننده گان جامه عمل بپوشد تا آنها نیز اقدام نمایند. و برای یکتعداد دیگر بی امنیتی مسئله قابل تامل میباشد. سازمان ملل و دولت افغانستان خود را در موقعیت خیلی ها دشوار احساس میکنند. زیرا از یکطرف ایشان باید فیصله های کنفرانس بن عملی نمایند و از جانب دیگر نگرانی ها روزافزون امنیتی موانع عمده را در راه تطبیق آن بوجود آورده است.

موارد مذکوره فوق اکثر تمویل کننده گان را در شرایطی که ایشان نسبت به موفقیت پروسه چندان خوشبین نیستند از ادامه کمک باز میدارد. تعداد از تمویل کننده گان اظهار مینمایند که در صورتیکه انتخابات نتواند اهداف مطروحه را در عمل پیاده کند به ایجاد صلح در یک تیاتر سیاسی شباهت خواهد داشت.

مقدار تعهد به ملیون دالر	اعانه دهندگان
تعهد نقدی	
4.1	انگلستان
2.0	دنمارک
4.0	ایلات متحده
سهامیه غیر نقدی	
7.0	کانادا
1.0	ایلات متحده
تعهد	
2.3	جرمنی
1.2	فنلند
1.7	ناروی
5.0	اتحادیه اروپا
28.3	مجموع

Source: Voter registration project
(IAEC, UNAMA, UNDP, UNOPS, UNV), October 2003.

تنظیم پروسه انتخابات:

برخلاف لویه جرگه اضطراری، انتخابات لویه جرگه قانون اساسی ابعاد گسترده تر داشته و طی آن باید فرصت برای تمام افراد واجد شرایط مساعد گردد تا در مورد زعامت آینده کشور انتخاب آگاهانه داشته باشند. باید یاد آور شد که تنظیم و پیشبرد امور لوژیستیکی انتخابات یک امر خیلی خطیر تلقی میشود. در افغانستان 10.5 میلیون رای دهنده گان واجد شرایط وجود دارد که از لحاظ قومی و فرهنگی با هم اختلاف

داشته و قسماً در مناطق ناامن و یا کشور های همسایه پراکنده اند. از سال 1979 به اینطرف هیچگونه سرشماری دقیق در کشور وجود نداشته و بیسوادی علی الخصوص در بین زنان به پیمانه وسیع شایع است. عدم امنیت و سیاست های محلی نیز مانع عمده در جهت آزادی بیان و مقاصد سیاسی میباشد. با در نظر داشت مشکلات فوق الذکر تهیه لست مشمولین پروسه انتخابات در کشور مانند افغانستان که هیچگونه آمار دقیق دیموگرافیک

در آن وجود نداشته و اکثریت اتباع کشور فاقد اسناد هویت اند خیلی ضروری به نظر میرسد.

جهت تهیه چنین اُست، سازمان ملل متحد در نظر دارد تا 4880 نفر را تربیه و با تکیه بر حمایت نیروهای ملی و بین‌المللی به 400 ولسوالی افغانستان گسیل دارد. تیم‌های ثابت و متحرک فوق‌الذکر ذریعه کمره‌های پولاروئید و ماشین‌های Lamination مجهز بوده و قرار است اسامی و معلومات لازم در مورد اشخاص واجد شرایط ثبت کرده و برای آنها کارت‌های شمولیت توزیع بدارند.

معلومات ثبت شده بعداً به کابل فرستاده شده و ذریعه 300 نفر کاتبان درج Data base اصلی می‌گردد. در صورتیکه برنامه مطابق پلان طرح شده به پیش برود در آنصورت هر تیم در جریان شش و نیم ماه یعنی از اوائل دسامبر الی اواخر جون روزانه به تعداد 300 نفر را ثبت و راجستر خواهند نمود. البته باید یاد آور شد که نظر به مشکلات جوی دسترسی به یک میلیون و هفتصد هزار نفر صرفاً از طریق هوایی یعنی هلیکوپتر و طیاره و یا استعمال حیوانات میسر خواهد بود.

دسترسی به مناطق دشوار گذر و یا غیر قابل دسترسی:

برای رای دهنده گان فرصت‌های مناسب تدارک دیده خواهد شد که افکار خویش را مطرح نمایند و بعداً پروسه انتخابات مطابق شرایط موجود عملی خواهد شد. /؟؟؟/

زنان:

قرار معلوم، در اشتراک زنان در انتخابات و تامین حقوق مساوی ایشان با مردان یک سلسله مشکلات وجود دارد. بطور مثال، تحرک ناقص، سهم غیر فعال در جامعه، بیسوادی، عدم دسترسی به معلومات و غیره که در جهت حل آن باید اقدامات جدی صورت گیرد.

برنامه ریزی انتخابات و پروسه ثبت نام رای دهنده گان به شکل منزل به منزل چه از نظر لوژیستیکی و چه از نظر مالی غیر ممکن بوده لهذا لازم است با مراکز ثبت جداگانه ایجاد شود.

نباید فراموش شود که سهم دهی زنان در انتخابات باید با در نظر داشت حساسیت‌های فرهنگی جامعه صورت گیرد. از نصب عکس آنها در کارت هویت اجتناب شده، امنیت‌شان تامین و برای آنها وسایل و زمینه‌های تعلیمی جداگانه مساعد ساخته شود. و ضمناً جهت رفع مشکلات و تبعیضات باید با ریش سفیدان مذاکره و مفاهمه صورت گیرد.

مهاجرین / برگشت کننده گان / بیجا شده گان داخلی

جهت بدست آوردن رای پنج میلیون مهاجر مقیم پاکستان و ایران که از آن جمله 2.5 میلیون آن واجد شرایط راه دهی اند، سازمان ملل متحد در نظر دارد تا حوزه های ثابت ثبت رای دهنده گان و جمع آوری آرا را در داخل شهر ها، کمپ ها بیجا شده گان داخلی و مهاجرین در مراکز UNHCR مستقر در سرحدات ایجاد نماید. علاوه بر تعداد واحد های متحرک ایجاد میگردد تا از ثبت مجدد برگشت کننده گان و بیجا شده گان داخلی جلوگیری کند.

کوچی ها:

ثبت حدود دو میلیون کوچی در کشور که از آن جمله یک میلیون آن واجد شرایط رای دهی اند ضرورت به طرح استراتژی خاصی دارد که ذیلا بیان شده است:

- 1- تقکیک کوچی ها از نیمه کوچی ها
- 2- تهیه نقشه های که در آن نمونه های مهاجرتی تشریح شده باشد.
- 3- ایجاد واحد ها ثبت کننده و مراکز رای دهی متحرک تا از تکرر در ثبت رای دهنده گان جلوگیری شود.
- 4- مذاکره و مفاهمه با رهبران محلی

برنامه های متذکره قرار است با رهبران قبائل در میان گذاشته شود و بعدا در ماه مارچ پروسه کار عملی آن آغاز گردد.

در شرایط فعلی نیاز اشد به مساعدت های بین المللی وجود دارد. در صورتیکه کمک های مراجع تمویل کننده در زمان معین و به مقدار لازم صورت نگیرد بعید به نظر میرسد که پرسونل لازم برای ثبت رای دهنده گان و تهیه مواد ضروری پروسه انتخابات تهیه شده بتواند.

کمیسیون برگزاری انتخابات در اوایل نوامبر قبل از شروع به استخدام 4880 تن جهت پیشبرد پروسه انتخابات کرده است و از جمله هزار موتر مورد نیاز صرف 140 عراده آن تهیه شده است.

تنظیم حوزه های انتخاباتی:

ارائه تعلیمات مدنی در مملکت مانند افغانستان که بیسوادی به ابعاد گسترده در آن شایع بوده و حکومت با مردم روابط نزدیکی نداشته و مردم در سهم گیری در پروسه سیاسی کشور تجربه ناچیزی دارند بسیار مهم و حیاتی به نظر میرسد. بدون موجودیت ذهنیت لازم این هراس موجود است که انتخابات، آرزو ها و امیدهای مردم را بر آورده نساخته و صرفا وسیله ارتقا قدرتمندان گردد. هدف اساسی ارائه تعلیمات مدنی اینست که افغان ها را از پرنسیب اشتراک سیاسی، قانون اساسی و طرز العمل رای دهی از طریق پخش رسانه های گروهی، ورکشاپ ها و به طرز شفاهی آگاه سازد. در ضمن تعلیمات مدنی

جهت تخلیق فضای اعتماد در پروسه انتخابات، تشویق همکاری میان رای دهنده گان، کاندیدان و احزاب سیاسی و ایجاد مفکوره تحمل، فعالیت سیاسی صلح آمیز و قبول نتایج انتخابات ضروری پنداشته میشود.

مشکلات بودیجوی باعث تاخیر در تسوید قانون اساسی و قانون احزاب سیاسی گردیده و پروسه تعلیمات رای دهنده گان را متوقف ساخته است. ضمناً باید اضافه کرد که ارائه تعلیمات مدنی در شرایطی که مردم در رابطه شکل و ساختار حکومت معلومات نداشته باشند، مفید واقع نخواهد شد.

مشکلات ثبت رای دهنده گان:

مسئله مهم اینست که تا کنون برنامه مناسب برای راه اندازی انتخابات طرح نگردیده است. این در حالیکه تدویر انتخابات به مقدار کافی پرسونل و تجهیزات لازم جهت فعال ساختن پنجهزار مرکز رای دهی به ارزش حدود 40-50 میلیون دالر ضرورت دارد. عدم موجودیت برنامه لازم برای راه اندازی انتخابات و ناتوانی سیاست گزاران در تعیین مسئولیت ها، مشکل عمده در این راستا به شمار میرود. با وجودیکه کنفرانس بن پروسه ثبت رای دهنده گان و ارائه تعلیمات مدنی را بر دوش سازمان ملل گذاشته است مگر مسئولیت اساسی متوجه دولت افغانستان میگردد. اما قسمیکه از قراین پیداست دولت تا کنون عملاً کاری قابل ملاحظه را در این راستا انجام نداده است.

در ماه جولای گذشته رئیس جمهور کمیسیون موقت انتخاباتی شش نفره را تعیین کرد تا همراه با سازمان ملل یکجا در پروسه ثبت رای دهنده گان همکاری نموده و بعداً هنگامیکه پروسه رای دهی تکمیل گردید به کمیسیون دائمی تبدیل گردد. بعداً قرار است کمیسیون متذکره به کمیسیون یازده نفری از مجموع راد موجود ویکتعداد کارشناسان خارجی جهت نظارت و پیشبرد پروسه ارتقا یابد. یکماه قبل از ایجاد کمیسیون امید واری در اینکه کمیسیون متذکره بتواند انتخابات را در سطوح قانونیت رهبری کند وجود نداشت. موضوع فوق یکماه بعد از ایجاد کمیسیون تحقق پذیرفت اما اینکه با وجود تاخیر و خلا های ذکر شده، هنوز تصور اینکه دولت چگونه خواهد توانست با مسئولیت انتخابات را به عهده گیرد خیلی مشکل است.

با بودجه و امکانات موجود در حالیکه صرف هفت ماه به میعاد برگزاری انتخابات به اساس توافق نامه بن باقی مانده است بعید به نظر میرسد که پلان گزاران انتخابات در امر تنظیم پرسنل مورد ضرورت و فراهم آوری تجهیزات لازم و تطبیق پروسه ثبت در سراسر کشور موفق گردند.

در صورتیکه انتخابات که انتخابات متذکره چیزی بیشتر از یک جمناسستیک لوژیستیکی باشد در آنصورت دولت، سازمان ملل و تمویل کننده گان را لازم است تا بیشتر به نتایج انتخابات بیاندیشند تا تحقق آن.

بعد از این چه باید کرد؟

اینک زمانی است که باید حقایق را پیرامون معاهده بن بیان داشت. اگر با نظر مو شگافانه به آن بنگریم این معاهده بیشتر جهت تقسیم غنایم جنگی بود تا تامین صلح و ثبات در افغانستان. (چنانکه زمانی نماینده خاص سرمنشی ملل متحد در امور افغانستان لخصربراهیمی آن را اشتباه بزرگ نامید) علت عمده بی ثباتی بی امنیتی کشور را همانا استراتژی کوتاه بینانه مطرح در بن مبنی بر شامل نمودن آنانیکه به بی اعتنائی به قوانین کشور مشهور اند میتوان جستجو کرد.

معاهده بن نه تنها توازن شکننده میان احزاب راندوم و مشروعیت بخشید بلکه باتعین مدت کوتاه 2.5 سال جهت حصول اهداف آن یعنی صلح و ثبات غیر واقع بینانه عمل نمود.

حالا که در مرحله زمانی از توافقات بن قرار داریم ضرورت طرح استراتژی و سیاست درست تری جهت حصول اهداف اساسی معاهده بن طی زمان واقع بینانه تری بیشتر از پیش محسوس است تغییرات سیاسی در داخل دولت و در جامعه بین المللی در این اواخر فرصت مناسب را جهت بازنگری پالیسی های قبلی و طرح راهکارهای جدید بوجود آورده است.

درک اینکه تامین امنیت در افغانستان مستلزم توسعه نیروهای بین المللی خارج از کابل) اگر چه با تاخیر صورت گرفته و هنوز هم مراحل ابتدائی اش قرار دارد) فرصت مناسب را جهت حل معضله امنیتی در کشور فراهم نموده است. تغییر مثبت در سیاست ایالات متحده مبنی بر توسعه های کمک های خویش در افغانستان، در صورتیکه بدرستی به مصرف برسد، میتواند در تامین صلح پایدار در کشور گام خیلی ارزشمند تلقی میگردد.

توافق جمعی اصلاح طلبان در داخل دولت، سازمان ملل و کشور های کمک دهند مبنی بر طرح استراتژی واحد برای امور نظامی و احیای مجدد خیلی ها واقع بینانه بوده و میتواند نقش بسزای در تقویه حکومت مرکزی و توسعه ظرفیت های آن داشته باشد.

نهایتا مسوده قانون اساسی که بتاريخ سوم نوامبر در اختیار عامه قرار گرفت معلومات تازه را پیرامون انتخابات آینده در اختیار قرار میدهد. مطابق این پیش نویس، انتخابات ریاست جمهوری از انتخابات پارلمانی جدا بوده و اداره انتقالی میتواند الی برگزاری انتخابات بر قدرت باقی بماند. من حیث عالی ترین قانون کشور، در متن پیش نویس قانون اساسی درج است که رئیس دولت صلاحیت دارد طی شش ماه فرمان انتخابات را صادر نماید. ولی از چوکات زمانی مشخص برای برگزاری انتخابات ذکر بعمل نیامده است (جدول شماره 5).

اداره کرسی، سازمان ملل و هیئات تنظیم انتخابات، میتواند با استناد بر این قانون به شکل مشروع و قانونی آن به تعویق افگندن انتخابات را الی تامین امنیت، برنامه ریزی و تامین وجه کافی تقاضا نموده، بعداً مطابق به شرایط چوکات زمانی مشخص را برای آن تعیین کنند.

سازمان ملل متحد باید نقش اساسی را همراه با دولت و کمیسیون برگزاری انتخابات قانون اساسی در تامین مسایل لوژستیکی، ارائه مشوره های سیاسی، تعیین پالیسی با در نظر داشت شرایط امنیتی فعلی جهت ثبت و رجستر رای دهنده گان و تامین انتخابات آزاد و عادلانه در پائیز 2004 عهده دار گردد.

کمیسیون قانون اساسی باید تمدید دوره اداره کرسی را الی تدویر انتخابات، مطابق قانون اساسی در نظر داشته باشد.

این موضوع گرچه در قانون اساسی مطرح نگردیده است اما در تامین مشروعیت آقای کرسی الی ماه جون آینده میتواند نقش بسزای داشته باشد. گرچی ممکن در کمیسیون قانون اساسی عناصر موجود باشند که خواهان یک حکومت ضعیف مرکزی اند اما این موضوع نه تنها از لحاظ لوژیستیکی با اهمیت تلقی میگردد بلکه میتواند از مصارف مالی گزاف و هنگفت در انتخابات پائیز نیز جلوگیری بعمل آورد.

جامعه بین المللی باید تشکیل یک ساختار جدید و موقت سیاسی با طرز زمان بندی معین توام با ارایه کمک های دراز مدت را در نظر داشته باشند، البته قبلاً برنامه های جهت تدویر کنفرانس بزرگ دوم توکیو جلب کمک های بیشتر روی دست است.

همزمان با کنفرانس دوم توکیو ممکن کنفرانس دوم بن نیز جهت بحث پیرامون مسائل سیاسی کشور تدویر گردد این کنفرانس در صورت طرح استراتیژی دقیق سیاسی و اقتصادی با زمان بندی واقع بینانه تر برای انتخابات و کمک های دراز مدت میتواند نتایج مثبت برای آینده افغانستان به قبال داشته باشد

انتخابات و پیش نویس قانون اساسی

مسوده قانون اساسی که بتاريخ 3 نوامبر به نشر رسیده معلومات ذیل را پیرامون نحوه و شکل انتخابات پیش بینی نموده است:
حقوق سیاسی و آزادی
■ حاکمیت ملی به دولت تعلق دارد

- حق انتخاب شدن و انتخاب کردن
- آزادی بیان از تعرض مصئون است حق گفتار از تعرض مصون است آزادی
- محرمیت
- مراسلات و مخابرات از تعرض مصون است
- حق تاسیس سازمان ها اجتماعی و احزاب سیاسی , تدویر جمعیتها و شوراها ,
- مکاتبات

ساختار و وظایف دولت :

- افغانستان دولت جمهوری اسلامی است
- انتخابات باید به شکل آزاد , عادلانه و رای مستقیم و سری تدویر یابد.
- رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فیصد آرای رای دهنده ها انتخاب
- میگردد در
- دور دوم انتخابات تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آرا را در دور اول
- بدست آورده اند
- شرکت مینمایند.
- شوراهای ولایتی , ولسوالی ها و روستاها به تناسب نفوس انتخاب میشوند
- شورای ملی متشکل از دو مجلس مشرانو جرگه و ولسی جرگه
- 2/3 حصه اعضای مشرانو جرگه از جمله اعضای شوراهای ولسوالی ها انتخاب
- گردیده
- یک ثلث باقی مانده از جمله اشخاص خبیر و با تجربه بوسیله رئیس جمهور
- تعیین میشوند
- رئیس جمهور تعداد 50 فیصد از این اشخاص را از بین زنان تعیین می نماید .
- تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه بین 220 الی 250 می
- باشد باید از
- هر ولایت حد اقل یک وکیل زن در ولسی جرگه حضور یابد
- اعضای لویه جرگه متشکل است از:
- 1. اعضای شورای ملی
- 2. روسای شورا های ولایات و ولسوالی ها
- لویه جرگه در حالات ذیل دایر میگردد
- 1. اتخاذ تصمیم به مورد مسائل استقلال و حاکمیت ملی , تمامیت ارضی , مص
- علیای کشور
- 2. تعدیل احکام این قانون اساسی
- 3. محاکمه رئیس جمهور
- انتخابات

- قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ می باشد
- مدت بعد از انفاذ این قانون تا تاریخ افتتاح شورای ملی دوره انتقالی شمرده میشود
- آقای کرزی تا زمانیکه رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرای وظیفه می نماید
- دولت انتقالی اسلامی افغانستان در دوره انتقال وظایف ذیل را انجام میدهد
- اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری شورا ملی , شوراها ی محلی
- در مدت شش ماه
- اسیس کمیسیون مستقل انتخاباتی
- تدویر انتخابات شورای ملی در مدت یکسال از انتخابات ریاست جمهوری

نظر عمومی بر این است که دورنمای به تعویق انداختن انتخابات الی تنظیم امور, تامین حکومت قانون , خلع سلاح , تعلیمات مدنی, و بدست آوردن بودجه کافی به مراتب بهتر خواهد بود.

اما صرف در تعویق افگندن آن به چند ماه محدود نمیتوان نتیجه مثبتی بدست آورد. آنچه مهم است همانا ختم درگیری ها , تشویق پروسه آشتی ملی , دفاع از حقوق بشر و تامین صلح پایدار می باشد. این به این معنی است که باید چوکات زمانی فعلی انتخابات مورد باز نگری قرار گرفته و استراتژی جدید با کمک جامعه بین المللی مبنی بر درک واقع بینانه اوضاع سیاسی و امنیتی کشور که بتواند پاسخ گوی نیازهای جامعه باشد طرح و در عمل پیاده گردد.

در حال حاضر فشار قابل ملاحظه برای برگزاری انتخابات و تطبیق ریفورم و اصلاحات وجود دارد

اما باید سیاست گذاران اندکی به عقب نگرسته و از خویش بیپرسند که آیا قمار بر آینده افغانستان ارزش این همه ریسک را دارد؟